صاحب خبر

ترجمه قرآن به ۴ زبان در همکاری ایران و ترکیه



مدیر آژانس ادبی پل از توافق با ناشر ترک برای انتشار ترجمه قرآن به چهار زبان فرانسوی،آلمانی، انگلیسی، روسی خبر داد. مجید جعفری‌اقدم در گفت‌وگو با تسنیم،با اشاره به حضور این آژانس در فلوشیپ ادبی استانبول گفت: پیش‌قراردادهایی در فلوشیپ ادبی استانبول بسته شد و یکی از اتفاقات خوبی که رخ داد قرارداد همکاری برای انتشار ترجمه قرآن کریم به چهار زبان انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی است.

او ادامه داد: قرار بر این شد که آژانس ادبی پل ترجمه‌ها را آماده کند و ناشران خارجی خود ترجمه‌ها را منتشر و در حوزه اروپا توزیع کنند.

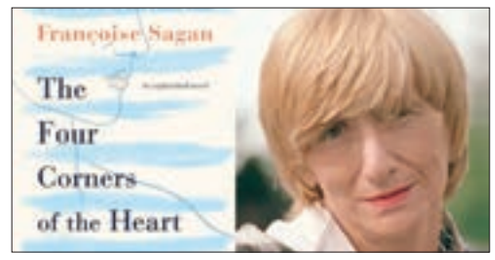
جعفری‌اقدم تصریح کرد: انتشارات مدرسه از ناشران ترکیه است که اغلب در حوزه علوم قرآنی در اروپا فعالیت دارد و آثار متعددی را منتشر کرده است. طبق توافق با ناشر قرار است با ترجمه فرانسوی کار را آغاز کنیم و در ادامه دیگر زبان‌ها نیز اضافه شود.او خاطرنشان کرد:ناشر از ما نسخه فیزیکی کتاب را نمی‌خواهد،ما کپی‌رایت ترجمه دوزبانه را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهیم که با لوگوی خود منتشر کنند، در مقابل از فروش آن درصدی به ما تعلق می‌گیرد.

روایت یک زن معمولی از «آخرین روز جنگ»

«آخرین روز جنگ؛ خاطرات زنی از قلب جنگ ۳۳روزه اسرائیل و حزب‌ا...» از تازه‌ترین آثار ادبیات مقاومت است. این کتاب که به قلم رقیه کریمی به نگارش درآمده است، خاطرات زنی را روایت می‌کند که در جنگ ۳۳روزه در روستای خود باقی مانده است و جنگ را با نگاه یک همسر و یک مادر و از پشت پنجره‌های خانه و زیر باران گلوله و صدای شنی‌های تانک و جنگنده‌ها دنبال می‌کند.«آخرین روز جنگ» شرح جزئیات زندگی مردم عادی در جریان این جنگ و مقاومت است. این کتاب ۱۱۲صفحه‌ای از تولیدات تازه انتشارات شهید کاظمی است.



نسخه انگلیسی رمان ناتمام ساگان چاپ شد



ترجمه انگلیسی رمان «چهارگوشه قلب» سال‌ها پس از درگذشت فرانسواز ساگان به بازار نشر آمد. به گزارش مهر به نقل از گاردین، ساگان که بیشتر برای کتاب «سلام بر غم» و زمانی که تنها هجده سال داشت، شناخته شد، اکنون با انتشار نسخه انگلیسی آخرین رمانش دوباره مطرح شده است.

هرچند احتمال می‌رفت رمان نویسی مانند لیلا سلیمانی یا آن برسِت این رمان را کامل کند، در نهایت کتاب در همان حالت نیمه‌تمام به بازار آمد. «چهارگوشه قلب» که این هفته با ترجمه سوفی آر لوئیس منتشر شد، داستان ماری لور را روایت می‌کند که همسرش، لودویک، سه سال پس از یک تصادف رانندگی ویرانگر به خانه بازمی‌گردد، زمانی که او در وضعیت روحی شکننده‌ای است. این کتاب را دنیس وستوف، پسر ساگان، سال ۲۰۱۱ و هفت سال پس از مرگ او در سال ۲۰۰۴ کشف کرد.

زین قند پارسی
علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری
ناویراسته ✗
رئیس بنیاد ملی نوجوانان سازمان تبلیغات:
دشمن با استفاده از نظام خودساختارهایی از جمله مهد کودک‌ها را طراحی کرده است. امروز عدم وجود هیأت کودک حس می‌شود
ویراسته ✓
رئیس بنیاد ملی نوجوانان سازمان تبلیغات:
دشمن با استفاده از نظام خودساختارهایی از جمله مهد کودک‌ها را طراحی کرده است. امروز نبود هیئت کودک حس می‌شود.
نکته
«عدم»، واژه‌ای است که متأسفانه فراوان به کار می‌رود؛ در حالی که، می‌توان با استفاده از پیشوندهای فارسی جایگزین‌های خوبی برای آن ساخت. مثلاً می‌شود به جای عدم اطلاع، بی‌اطلاعی را جایگزین کرد.
در این میان ترکیب «عدم وجود» کاملاً غلط است و کاربست آن ناروا.
درباره جمع مهد کودک فردا خواهم نوشت.
#زین_قند_پارسی

بازتاب

برای ترجمه ادبی، دانستن زبان کافی نیست



یک مترجم گفت: برای ترجمه ادبی، دانستن زبان شرط لازم و کافی نیست و بهتر است مترجم زبان ادبی کشور مبدأ را بداند.

به گزارش ایرنا، احسان عباسلو گفت: یکی از بزرگ‌ترین اشکالاتی که در نگاه به ترجمه وجود دارد این است که ترجمه را پروژه می‌دانند، در صورتی که ترجمه در اصل فرایند است. دانستن یک زبان شرط لازم و کافی برای ترجمه نیست، بلکه دانستن زبان بخشی از ترجمه است اما بخشی دیگر که وارد فرایند آن می شویم و اجرایی اش می کنیم، انتخاب اثر مناسب برای ترجمه است. بنابراین اولین درسی که مترجم باید بیاموزد این است که نگاه فرایندی به ترجمه داشته باشد و خود را در آن فرایند دخیل کند.

این مترجم و سرداور کتاب سال در حوزه ترجمه، ادامه داد: بسیاری از نویسندگان را مترجمان به جهان معرفی می کنند. مترجم می تواند بازآفرینی و سلیقه سازی کند و این سلیقه‌ها را در بازار داخل شکل دهد. بسیاری از کتاب‌هایی که جریان‌سازی می‌شود از لحاظ بازاری ترجمه‌های خوبی ندارد. جریان‌سازی در کشور می تواند کتاب‌هایی را معرفی کند که شیوه های داستان نویسی ما را مدرن و شیوه های جدیدی وارد کند و خیلی از این جریانات و تکنیک‌های ادبی از دل این ترجمه‌ها بیرون آمدند.

او گفت: برای انتخاب اثر درست، قاعدتاً مترجم باید پژوهشگر خوبی باشد و به تمامی جوانب آن آگاهی داشته باشد. دانستن زبان شرط لازم و کافی نیست و بهتر است مترجم زبان ادبی آن کشور را بداند. یک مشکل دیگر در بحث دانستن زبان این است که فکر می کنیم زبان روزمره را بلدیم و هر اثری را می توانیم ترجمه کنیم اما زبان ادبی، زبان روزمره نیست و با زبان انشایی و روزمره فاصله دارد. بسیاری از اوقات کسی که می خواهد ترجمه ادبی کند، باید زبان ادبی کشور مبدأ را هم بلد باشد.

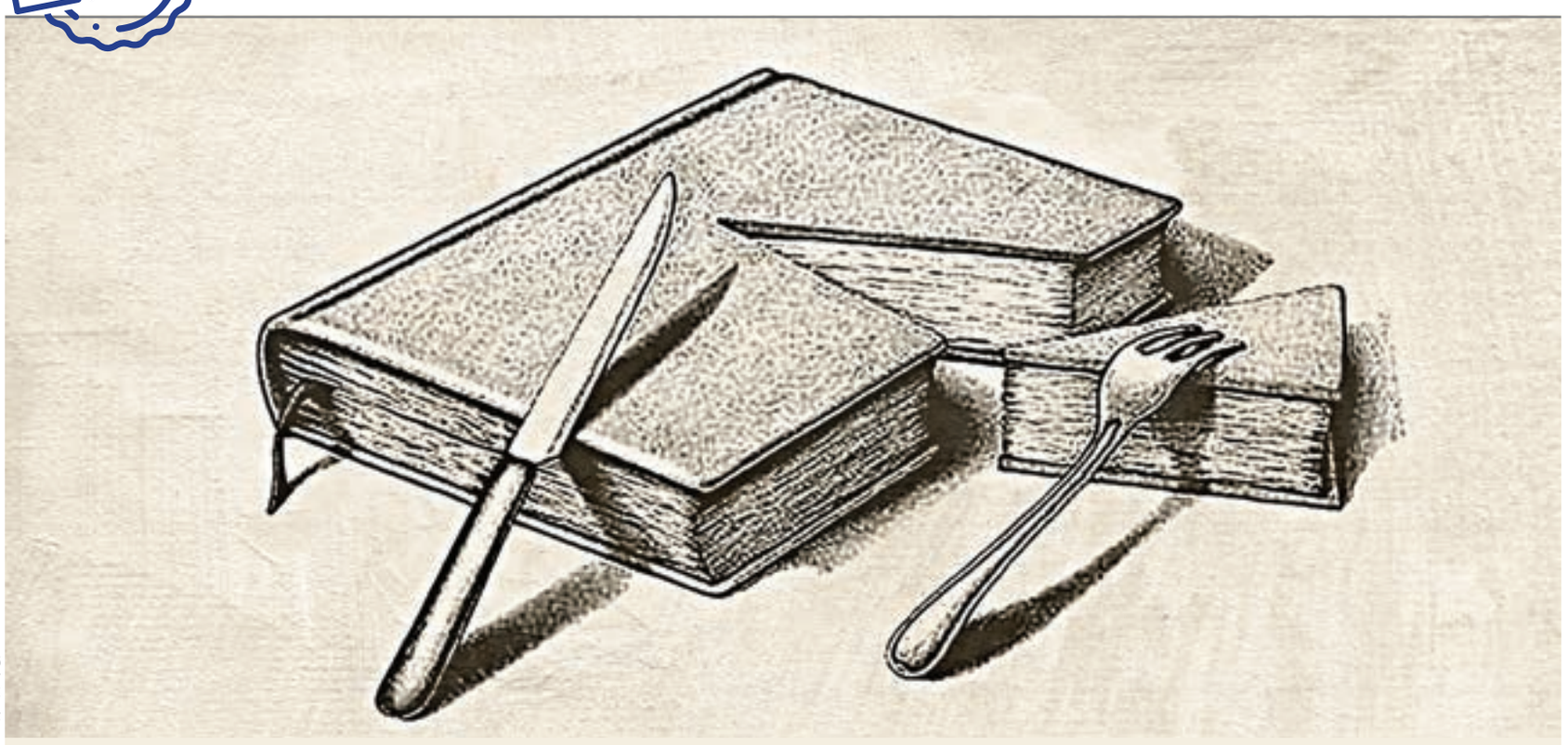
این نویسنده اذعان کرد: مترجم باید نویسنده یا شاعری را بشناسد که می خواهد متنی از او ترجمه کند و دیدگاه‌های فکری و ذهنی و رویکرد احساسی اش را بداند، آثارش را بخواند و بعد به سراغ ترجمه آن برود. مترجم باید ابزار کار خودش را درک کند و آن را در اختیار خود قرار دهد. ترجمه فن است و مانند دیگر مشاغل ابزار خودش را می خواهد. با چند بار خواندن اثر هم ابزار کار مشخص می شود و هم استراتژی آن برای ترجمه درمی آید. کتاب‌هایی که خریداری می کنیم نوشته مترجم است و ترجمه مترجم محسوب نمی‌شود. ترجمه خیانت است و اگر در انتقال روح و معنای اثر مشکلی پیش بیاید و بخشی از متن زیاد و کم شود می تواند در کل متن تأثیرگذار باشد.

عباسلو گفت: ما باید در زبان مبدأ، زبان کوچه و بازار را بدانیم و آن اثر را بشناسیم. ما ناگزیریم که همان پیام و احساس و اندیشه را که در زبان مبدأ بوده عیناً به زبان مقصد انتقال دهیم. لازم است خود مترجم تخصصی کار کند چون به مرور زمان با اصطلاحات و زبان خاص آن حوزه آشنا می‌شود و زمان کمتری صرف جست‌وجوهای بیرونی می کند.

بررسی تأثیر گرانی کتاب بر فروش آن در گفت وگو با کتاب فروشان مشهدی

نفس کتاب فروش ها گرفته شده است

بضاعت کتاب و کتاب‌خوانی مشهد



طرح: پانوفو دالبونه

خادم

گزارش

این دیگر یک صحنه معمولی و تکراری و عادی در کتاب‌فروشی‌هاست: مردم می‌آیند، کتابی برمی‌دارند، قیمتش را نگاه می‌کنند، می‌گذارند، می‌روند.الان - در روزهای آغازین تیر ۱۴۰۲- دیگر قیمت هر صفحه کتاب برابر است با یک اسکناس هزار تومانی ناقابل. کتاب لاغر ۱۰۰صفحه‌ای ۱۰۰هزار تومان. وای به روز کسی که بخواهد کلاسیک ها را بخواند. «آنا کارنینا»ی تالستوی حدود یک میلیون تومان قیمت دارد. بسیاری ناگزیرند با تاریخ بیهقی و شاهنامه و کلیات سعدی وداع کنند. برای کتاب‌خوان‌ها و به‌ویژه حرفه‌ای‌هایشان، یافتن کتاب‌های چاپ سال‌های قبل -اگر کتاب‌فروش روی قیمتش خط نکشیده و قیمت بی‌رحمانه تازه را نزده باشد- خوش‌اقبالی محسوب می‌شود. و برای کتاب‌فروش‌ها، برگزاری نمایشگاه کتاب و طرح‌های مجازی خوش‌یمن نیست. طرح‌های تخفیف کتاب با عنوان‌های بهاره و پاییزه و عیدانه طرح‌هایی حمایتی بود که در دولت قبل چند سال اجرا شد و رونق و گرمی به کتاب‌فروشی‌ها می‌داد. این طرح با آمدن دولت جدید ورافتاد و همان گرمای فصلی که کتاب‌فروش و کتاب‌خوان منتظرش بودند، فروکش کرد؛ مسئله‌ای که البته در جای خودش باید بررسی شود. حالا چراغ کتاب‌فروشی‌ها به خاموش شدن تهدید می‌شود. برخی از کتاب‌فروشان برای بقا به سراغ کارهای ترکیبی رفته‌اند؛ راه‌اندازی کافه‌کتاب یکی از این کارهاست. اما همه این امکان را ندارند. کتاب‌فروشی که فقط متکی به فروش کتاب باشد در معرض انقراض است. به سراغ دو تن از کتاب‌فروش‌های مشهد رفتیم تا درباره تأثیر گرانی کتاب بر کار آن‌ها بپرسیم. هر دو از ریزش مشتری‌ها و کاهش شدید فروش و گرفته شدن نفس کتاب‌فروشی‌ها می‌گویند و از تأثیر منفی تعطیلی طرح‌های تخفیفی. آن‌ها چندان به آینده امیدوار نیستند.

۵۰ درصد افت فروش داشته ایم

امید خواجوی، مدیر کتاب‌فروشی آبان که از کتاب‌فروشی‌های باسابقه مشهد محسوب می‌شود، می گوید: قطعا گرانی تأثیرگذار بوده، وقتی کتاب گران شود کمتر می‌خرند. وقتی کتاب در اولویت و در سبد کالای مردم نیست زودتر از همه چیز حذف می‌شود. مردم ناگزیرند به معاش و خورد و خوراکشان فکر کنند تا کتاب.

او درباره تأثیر گرانی بر میزان فروش خاطرنشان می‌کند: فروش دخل ما، فروش ریالی ما، تغییری نکرده و این با توجه به افزایش قیمت کتاب یعنی حدود ۵۰درصد فروش تعداد کتاب ما افت کرده است. ۹۰۸۰درصد مردم می‌آیند کتاب را برمی‌دارند، قیمتش را نگاه می کنند و می‌روند. نمی‌خرند. بیشتر دنبال کتاب‌های چاپ قدیم می گردند که قیمتش مناسب‌تر است. البته وضعیت کتاب‌فروش‌ها هم وابسته به وضعیت اقتصادی کشور است، مانند صنف‌های دیگر. شما نگاه کنید؛ لبنیات و گوشت و مرغ و لباس هم شاید فروشش ۵۰درصد افت کرده باشد. قاعدتا کتاب‌فروش‌ها یا باید به همین روزی بسنده کنند، یا جمع کنند. به نظر من قوی‌ها می‌مانند و ضعیف‌ها جمع می‌کنند. احتمال می‌دهم که تعدادی کتاب‌فروشی تعطیل شود.



خواجوی، مدیر کتاب آبان: قطعا گرانی تأثیرگذار بوده، وقتی کتاب گران شود کمتر می‌خرند. وقتی کتاب در اولویت و در سبد کالای مردم نیست زودتر از همه چیز حذف می‌شود. مردم ناگزیرند به معاش و خورد و خوراکشان فکر کنند تا کتاب.[...] حدود ۵۰ درصد فروش تعداد کتاب ما افت کرده است

افستی‌ها را جمع کنید، طرح‌های تخفیف را برگردانید

مدیر کتاب فروشی آبان مشهد علاوه بر گرانی، همچنین از آسیب دیگری می گوید که دولت و وزارت ارشاد باید برای آن کاری کند: ضربه دیگری که ما می خوریم از برخی ناشرهاست؛ ناشرانی که بیشتر در شهر قم فعالیت می کنند و کتاب‌های پرفروش را با ترجمه قلابی چاپ می کنند و قیمت بالاتر می‌زنند و با ۵۰درصد تخفیف می‌فروشند و همچنین افستی‌ها. این‌ها باید جمع شوند. یک کتاب را تا گل می کند افست می کنند یا با ترجمه قلابی منتشر می کنند و گوشه خیابان یا در فرودگاه و راه‌آهن و جاهای دیگر می‌فروشند و چیزی گیر کتاب‌فروش نمی‌آید. کاری که دولت باید بکند جمع کردن این‌هاست.

خواجوی می گوید: اتفاقی که باید بیفتد این است که طرح‌ها را اضافه کنند. طرح‌های کتاب خوب بود، هم برای کتاب‌فروش، هم مشتری، هم ناشر، اما از دوره دولت سیزدهم متوقف شد. نمایشگاه مجازی هم اگر کتاب‌فروشی در آن شرکت کند خوب است، اما دردسرهای زیادی دارد. باید کتاب‌ها تعریف شده باشد، کسری نداشته باشی، قیمت‌ها به‌روز باشد و مشکلات زیاد دیگری. همان طرح‌های پاییزه و بهاره و این‌ها که در دولت آقای روحانی اجرا می‌شد بهتر بود.

آینده خوبی برای کتاب و کتاب فروش نمی بینم

ابراهیم بالاپژوه، مدیر کتاب‌فروشی شهر کتاب مشهد نیز تأیید می کند که گرانی کتاب صددرصد بر فروشش تأثیرگذار بوده است. می گوید: تازه گرانی کاغذ عقب‌تر از گرانی کالاهای دیگر است و تأثیر قیمت کاغذ بر کتاب الان دارد خودش را نشان می‌دهد. متأسفانه دولت سیزدهم که آمد یارانه کاغذ را برداشت و همین باعث شد قیمت کتاب وحشتناک بالا برود و چندبرابر شود. یعنی از یک چاپ به چاپ دیگر حداقل ۳۰ تا ۴۰درصد قیمت کتاب عوض می شود و این کم کم کتاب را به کالایی لوکس تبدیل می کند و هر کسی نمی‌تواند بخرد. آن کسی هم که کتاب‌خوان و کتاب‌دوست بوده و قبلا چهارتا کتاب می‌خریده الان یک کتاب بیشتر نمی‌تواند بخرد. او با تأسف خاطرنشان می کند: اصلا آینده روشن و خوبی برای کتاب و کتاب‌فروش در ایران نمی‌بینم. با توجه به هزینه‌های زندگی و قیمت کتاب و سطح درآمد مردم واقعا اتفاق‌های خوبی در آینده نمی‌افتد. همین الان کتاب‌فروشی‌ها با رکود وحشتناکی روبه‌رو هستند. از آن طرف هم حمایتی که باید از سمت دولت می‌شد نیست و به‌جایش انواع و اقسام نمایشگاه‌های حضوری و مجازی برگزار می‌شود. این وسط سودش به جیب ناشر می رود و نقطه نهایی، یعنی کتاب‌فروش که کامل کننده این چرخه است، همیشه بدون حمایت باقی می‌ماند و به او ظلم می‌شود. الان همین رکودی که در اردیبهشت و خرداد دیدیم، اثرات نمایشگاه کتاب و مخصوصا بخش مجازی آن است. حالا گرانی کاغذ و گرانی کالاهای دیگر هم مزید بر علت است.

مردم با دیدن قیمت کتاب فرار می کنند

مدیر شهرکتاب مشهد هم از صحنه آشنای همه کتاب‌فروشی‌ها یاد می کند: گرانی خیلی محسوس است، آن‌قدر که وقتی مشتری می‌آید، اولین چیزی که نگاه می کند قیمت کتاب است. اگر قیمت برایش منطقی بود برمی‌دارد. قبلا چنین چیزی نبود. الان قیمت خیلی مهم شده، مشتری قیمت را که می‌بیند، فرار می کند. امروز کتاب زیر ۱۰۰ هزارتومان نداریم. اگر کتاب حداقل ۱۰۰ صفحه باشد، قیمتش می‌رود بالای ۱۰۰ هزارتومان. بعد شما سطح درآمد افراد را هم نگاه کنید و تمام هزینه‌هایی را هم که یک خانواده دارد، درنظر بگیرید، چقدرش می‌ماند که بیایند کتاب بخرند؟ فکر می کنم در شش ماه دوم وضع بدتر هم بشود.

او ادامه می‌دهد: گردشی که الان در فروشگاه داریم به دلیل کتاب‌هایی است که از پارسال و سال‌های قبل داشته ایم و قیمتش مناسب است وگرنه کتاب جدیدی که می‌آوریم خیلی کم فروخته می‌شود، چون قیمت‌ها واقعا بالاست. کتابی دو جلدی که پارسال ۴۰۰هزارتومان بوده، الان شده ۹۷۰هزارتومان. به فاصله یک چاپ، یعنی از چاپ سال ۱۴۰۱ تا چاپ سال ۱۴۰۲ قیمت دوبرابر شده است. چه کسی می‌آید برای یک رمان دو جلدی یک میلیون تومان پول بدهد؟ از طرفی سرمایه‌ای که باید درگیر کنیم و حجم کالایی که در فروشگاه به اصطلاح دپو می شود خیلی بیشتر است و مدت زمان ماندن کتاب در فروشگاه خیلی بالاتر می‌رود. کتاب کالایی نیست که بگوییم یکی دو ماهه فروش می‌رود. ممکن است یک کتاب یکی دو سال در فروشگاه بماند تا مشتری بیاید سراغش.

بالاپژوه تأکید می کند که این روند می‌تواند باعث نابودی کتاب‌فروشی‌ها شود: آمار بگیرید که در سال ۱۴۰۱ چند کتاب‌فروشی در تهران و شهرهای دیگر تعطیل شده‌اند. به نسبت توان و وسعت کتاب‌فروشی، از فروشگاه‌های کوچک‌تر شروع شده و به مرور به کتاب‌فروشی‌های بزرگ می رسد. مسئله فقط قیمت کتاب نیست، هزینه های جاری یک کتاب‌فروشی، از اجاره مغازه تا حقوق کارکنان و هزینه های انرژی، نفس و توان کتاب‌فروش را می گیرد و درنهایت او می گوید دیگر نمی خواهم کار کتاب و کار فرهنگی کنم و جمع می کند.

عملکرد وزارت ارشاد جای امیدواری نگذاشته است

این کتاب‌فروش نیز از تعطیل شدن طرح تخفیف کتاب گله دارد و می گوید: این برنامه خیلی خوب بود، اما از اول دولت فعلی جمع شد. خیلی کمک می کرد که کار کتاب‌فروش‌ها رونق بگیرد. هم مشتری با تخفیف کتاب می‌خرید و هم گردش مالی ناشر بالا می‌رفت. یعنی روندی بود که همه منتفع می‌شدند. الان این جمع شده آمده در قالب مجازی که هم گیر و گرفتاری زیاد دارد، هم همه کتاب‌ها شامل تخفیف نیست، هم دیگر مردم پایشان را در کتاب‌فروشی نمی گذارند.

او می افزاید: اگر آن طرح که چهار سال ادامه داشت تعطیل و جمع نمی شد خیلی مؤثر و خوب بود. جاافتاده بود و مردم عادت کرده بودند در پاییز منتظر طرح پاییزه و در اسفند منتظر طرح عیدانه باشند. می آمدند با تخفیف خرید می کردند. این طرح کورسوی امیدی برای کتاب‌فروش‌ها بود و به آن دل خوش بودند. بودجه‌ای که وزارت ارشاد برای آن مصرف می کرد، در سال ۹۹، حداکثر ۲ میلیارد تومان برای هر دوره بود. یعنی اگر در سال، سه طرح برگزار می کردند، ۶ میلیارد تومان هزینه داشت. این مبلغ برای نهصد کتاب‌فروشی در کل کشور و این همه مخاطب بود. برای وزارتخانه عریض و طویلی مانند وزارت ارشاد، ۶ میلیارد در سال هم عددی بود که آن را تعطیل کرد؟ آن همه کاری که انجام و زیرساختی که ایجاد شده بود از بین رفت و تلاش صورت گرفته برای جذب مشتری‌هایی که با این طرح آشنا شده بودند، بر باد رفت.

مدیر شهر کتاب مشهد تصریح می کند: شاید مسئولان دولت سیزدهم احساس کردند این برنامه مناسب نیست و طرح خودشان خوب است و آن را اجرا کردند. طرح جدید بیشتر در قالب فروش مجازی است و کتاب‌فروش باید اطلاعاتش را در سایت آن‌ها بارگذاری کند. از طرف دیگر کتاب‌فروش‌ها اعتمادی به این سامانه ندارند. به خاطر اینکه در اولین نمایشگاه مجازی در دولت آقای رئیسی که در اسفند سال ۱۴۰۰ برگزار شد این‌ها آمدند از اطلاعاتی که کتاب‌فروش‌ها در دوره‌های تخفیفی سال‌های گذشته از مشتری‌ها گرفته بودند، استفاده کردند و به شماره همراه تمام مشتری‌ها پیامک زدند که بیایید از نمایشگاه مجازی خرید کنید، با ۲۰درصد تخفیف با ارسال رایگان. این اسمش سوءاستفاده است. چون اطلاعاتی که کتاب‌فروش‌ها بارگذاری کردند دست وزارت ارشاد امانت بوده است و بعد هم این فروش مجازی آسیب خیلی جدی بود به کتاب‌فروش‌ها. مشتری کتاب را با ۲۰درصد تخفیف و ارسال رایگان از نمایشگاه مجازی می خرید. این نمایشگاه مجازی یک بار اسفند ۱۴۰۰ برگزار شد یک بار اردیبهشت ۱۴۰۱، یعنی در فاصله سه ماه، دو نمایشگاه مجازی و دو بار ارسال پیامک. با این حرکات واقعا در عملکرد وزارت ارشاد حمایتی از کتاب‌فروش نمی‌بینیم که بخواهیم امیدی به بهبود قضیه داشته باشیم. واقعا آینده جالبی نمی بینم. امسال کتاب فروشی های بیشتری جمع خواهد شد.



بالاپژوه، مدیر شهر کتاب: کتاب جدیدی که می آوریم خیلی کم فروخته می‌شود، چون قیمت‌ها واقعا بالاست. کتابی دو جلدی که پارسال ۴۰۰هزارتومان بوده، الان شده ۹۷۰هزارتومان. چه کسی می آید برای یک رمان دو جلدی یک میلیون تومان پول بدهد؟